

« آثار حقوقی بطلان نکاح »

« ۱ »

(اصل عدم عطف بماسبق) (۱)

اصولی کلی و اساسی در بطلان عقود و معاملات محو و امحاء کلیه آثاری میباشد که از هر حیث و هر جهت میتوان بر آنها فرض نمود و در نظر قانونگذار اصولاً بر عقد باطل آثاری نمیتوان قائل گردید و عبارت دیگر عقد باطل مانند آن است که از اصل امکان انعقاد نداشته باشد و هر گاه در فاصله بین عقد و تصمیم حاکم مبنی بر اعلام بطلان یکی از طرفین اعمال حقوقی بمناسبت غره شدن بصحت این عقود و قرار دادها انجام داده باشد این اعمال کان لم یکن و معدوم تلقی میگردد .

بحث ما در این مقال برای این است که آیا عقد ازدواجی که اعلام بطلان آن از طرف دادگاه بعمل میآید دارای کلیه آثاری میباشد که بر بطلان سایر عقود مترتب میگردد یا خیر؟ و آیا نظر مصلحت جامعه و بخصوص طرفین ازدواج اقتضاء ندارد که عقد نکاح را مانند سایر عقود مالیه تلقی نکرده و با وجود بطلان آن معهداً بعضی آثار ناشیه از آنرا مثل نسب طفل تولد یافته در فاصله وقوع عقد و روز اعلام آن و همچنین روابط مالی زوجین از حیث جهیز و نفقه و غیره مشروع تلقی نموده و در نتیجه و برخلاف اصل ساریه در سایر عقود آثار بطلان عقد ازدواج را از تاریخ قطعی شدن حکم بدانیم و باصطلاح اصل عدم عطف بماسبق بطلان را بعقل و جهات خاصی که ازدواج دربر دارد بپذیریم .

وجه تشابه بین عقد نکاح و سایر عقود از نظر بسیاری از دانشمندان و حقوقدانان غرب مورد انکار قرار گرفته تا بعدی که بعضی از آنان این عقد را بمعنی عقد مصطلح حقوقی تلقی نکرده و آنرا بصورت قرارداد مخصوص فامیل *Contrat de famille* جلوه

(۱) موضوع این بحث در حقوق مدنی ایران بسیار مشکل و دقیق میباشد خاصه که در قانون مدنی جز چند ماده ناقص از آثار بطلان نکاح بحث کافی نشده است در فقه و حقوق اسلامی تفحص ما برای یافتن منابع جامعی در این خصوص ب نتیجه مثبت و کافی نرسید علها نظریاتی که در این مقاله منعکس میگردد کاملاً نظری و شخصی بوده و بملت عدم سبق مطالعه جدی موضوع از طرف دانشمندان این نظریات قهراً خالی از نقص و عیب نمیشد و از فضلاء و حقوقدانان و اساتید محترم استدعا دارد که اولاً با توجه باشکال مهم عدم تحقیق قبلی نظریات قابل ایراد را اغماض فرموده وثانیاً از انتقادات لازم که نتیجه آن ارشاد و هدایت اینجانب میباشد دریغ نفرمایند .

آثار حقوقی بطلان نکاح

میدهند که قانونگذار برای قوام جامعه بشری مقرر داشته و در نتیجه آثار و نتایج آنرا هم از سایر عقود مادی دیگر کاملاً مجزی و منفک قرار داده و معتقدند که بمناسبت جهات و خصوصاتی که توأم با این قرارداد خانوادگی است اساساً مترتب کردن کلیه آثار حقوقی عقود دیگر بر ازدواج دور از منطق و ماهیت و خصوصیات این قرارداد میباشد و بهمین دلیل است که در شرایط مختلف و مقررات مخصوص بر نکاح تدوین گردیده که خاص بدان بوده و بر سایر عقود و قراردادها قابل انطباق و اختلاط نمیشد (۱).

قانون مدنی فعلی ایران آثار بطلان عقد نکاح را جز در موارد بسیار استثنائی (رجوع شود بمواد ۸۸۲ - ۸۸۷ و ۱۰۹۸ و ۱۱۶۶) در حکم بطلان سایر عقود (۲) قرار داده و متأسفانه بر عقد باطل ازدواج از تاریخ وقوع آن آثاری مترتب نمینماید و همین عدم توجه مقنین به این آثار میباشد که نگارنده را وادار به تحقیق در بعضی از قوانین خارجی بخصوص قانون مدنی فرانسه در این باب نموده و با ذکر خصوصیات اجمالی آنها میدوآراست که نظر مقننین آتی را بدانها جلب و از بی عدالتی که قهراً وجود مقررات فعلی در بر دارد و بخصوص اشکالات بی حد و حصری که در امور مالی زوجین و نسب اطفال متولد شده آنان و غیره در زمان نکاح باطل ایجاد میگردد حتی الاسکان ترتیب عملی داده شود . در قانون مدنی فرانسه موارد چندی جهت بطلان نکاح تصریح گردیده که بعضی از آنها مطلق و بعضی نسبی هستند و ما برای روشن شدن اصل عدم عطف بمسابق شدن آثار بطلان نکاح بموارد بطلان - در این قانون اشاره اجمالی مینمائیم :

۱ - **موارد بطلان مطلق نکاح** عبارتند از ۱ - عدم بلوغ زوجین یا یکی از آنها *L'impuberté* (سن قابلیت ازدواج بر حسب ماده ۱۴۴ قانون مدنی فرانسه برای ذکور ۱۸ و برای اناث ۱۵ سال تمام است و در موارد مهم استثنائی مثل بارداری بودن زن رئیس جمهور میتواند زوجین را از رعایت شرط سن معاف دارد ماده ۱۴۵ قانون مدنی سوئیس سن قابلیت ازدواج را برای ذکور ۲۰ و برای اناث ۱۸ سال مقرر داشته است ماده ۹۶) ۲ - مزوجه بودن قبلی زن یا مرد *Bigamie* ۳ - ازدواج با محارم *L'inceste* ۴ - فقدان رضایت طرفین *L'absence de consentement des époux* ۵ - مخفی بودن ازدواج (۳) *La clandestinité du mariage* ۶ - و بالاخره عدم صلاحیت مأمور رسمی مجری عقد *L'incompétence de l'officier de l'état civil* (۴) (۵) اعلام

(۱) "It (marriage) appears to me something more than a mere contract. It is rather to be deemed as institution of society founded upon the consent and contract of the parties; and in this view it has some peculiarities in its nature, character, operation, and extent of obligation, different from what belongs to ordinary contracts." A. W. Blakemore:

A Treatise of the law of marriage, divorce, separation, 6th. ed. vol. 2. § 5073, Page 1346.

(۲) قانون مدنی ایران جهات بطلان عقود را یکجا و ضمن ماده بخصوص توضیح ننموده و ما ارحاماً حقوق مقایسه به پروژه قانون مدنی مصر که توسط عده از اساتید فن با توجه کامل بحقوق بقیه پاورقی در صفحه ۹۰

آثار حقوقی بطلان نکاح

بطلان نکاح در ۴ مورد اول برای دادگاه اجباری و در دو مورد اخیر اختیاری میباشد بدینمعنی که محاکم وقتی بعلت مخفی بودن وقوع ازدواج و یا عدم صلاحیت مأبور رسمی

ممالک اروپائی و آمریکائی لاتین تهیه گردیده و از هر حیث شایان تحسین است اشاره مینمائیم. ماده ۱۹۳ پروژه قانون مزبور موارد بطلان عقود را بشرح زیر مقرر میدارد. (الف) اذا أبرمه شخص لا اهلیة له اطلاقاً (ب) اذا انعدم فیہ الرضا او المحل او السبب او اذا لم تتوافر فی المحل اوفی السبب شروطه الجوهریه . (ج) اذا اشترط القانون فی العقد شکلیاً یكون باطلا بدونہ ولم یتوقف العقد هذا الشكل او اذا اغفل المتعاقدين اجراء شکلیاً یمتیرہ القانون رکنتی تشکیل العقد . (د) اذا ورد فی القانون نص خاص علی البطلان . نقل از (مشروع تنقیح القانون المدني) جلد ۲ فی الالتزامات بوجه عام - القاہرہ مطبعة الامیریہ بیولاق ۱۹۴۲ .

۳ - در قانون برای اطلاع عامه از وجود قصد طرفین برای ازدواج و جلب اطلاعات مربوط بموانع نکاح شرایطی جهت استحضار مردم از قبیل اعلان در مراکز مخصوص پیش بینی گردیده که عدم رعایت آنها موجب بطلان نکاح میگردد (مراجعه شود بمواد ۱۶۵ و بعد) .

۴ - موارد بطلان مطلق نکاح در حقوق مدنی سوئیس حسب ماده ۱۲۰ عبارتند از ۱- مزوجه بودن قبلی زن یا مرد Bigamie ۲ - مرض دماغی و یا عدم استعداد تشخیص که نتیجه علت مداومی باشد *La maladie mentale et l'incapacité de discernement résultant d'une cause durable.*

۳ - ازدواج با محارم سببی و نسبی در درجات متنوعه :

La Parenté du sang et l'alliance à un degré prohibé.

و براین سه مورد مذکور در قانون محکمه فدرال سوئیس با استفاده از ماده ۲ قانون مدنی مورد چهارمی اضافه نموده و آن ازدواج صوری میباشد که بجهتی غیر از قصد تشکیل خانواده منعقد گردیده و اشخاص معمولاً برای تحصیل تابعیت سوئیس اقدام بدان میکنند :

V. Pierre Tuor: Le code civil Suisse, Zurich 1950, P. 136.

۵ - موارد بطلان نکاح در حقوق انگلستان عبارتند از ۱- عدم رعایت مقررات مربوط بشکل سند (ازدواج نزد ما مورین مخصوص و بموجب تشریفات معین) Informality generally ۲ - جنون Lunacy ۳ - سبق ازدواج (تمدد زوجات) Previous marriage ۴ - ازدواج با محارم : Prohibited degrees ۵ - ازدواج با اشخاص مطلقه Marriage of divorced persons ۶ - سن قابلیت ازدواج Age of capacity ۷ - بلاغت و سفاهت و Insanity ۸ - رضایت طرفین - Want of consent ۹ - تقلب و اشتباه Fraud and mistake ۱۰ - الف ابتلاء بامراض مقاربتی در زمان انعقاد نکاح مشروط بقابل سزایت بودن آن - Veneral disease in a communicable form ۱۱ - حامله بودن زوجه بوسیله شخصی غیر از زوج در قبل از انعقاد نکاح - That the respondent was at the date of the marriage, pregnant by some person other than the petitioner .

Jenk's English Civil Law. 4th ed. Vol II, London 1947, No. 1628, P. 1021 till 1030

آثار حقوقی بطلان نکاح

مجری عقد حکم بطلان نکاح می‌دهند که بر آنان ثابت شود که منظور طرفین تقلب و فرار از مقررات قانونی بوده است (۱)

موارد ششگانه فوق از آن جهت مطلق ناسیده میشوند که با نظم عمومی و اخلاق حسنه تماس دارد و بهین علت هم بمدعیان عمومی اصولاً اجازه داده شده است که در صورت وقوف باز دو اجهاییکه مخل نظم عمومی و بخصوص اخلاق حسنه تشخیص شده‌اند از مراجع قانونی بطلان آنها را درخواست نمایند ولی استفاده از این حق برای دادستان مشروط بر آن است که زوجین حین درخواست بطلان در قید حیات باشند (ماده ۱۹۰ قانون مدنی فرانسه). علاوه بر دادستان کلیه اشخاصیکه نفع مالی در بطلان نکاح دارند میتوانند از دادگاه اعلام بطلان مطلق نکاح را تقاضا نمایند مانند اقوام و خویشاوندان یکی از زوجین متوفی برای محروم کردن ازارت زوج یا زوجه در قید حیات و همچنین طلبکار یکی از زوجین که اشتراك اموال زن و شوهر (Communauté des biens) مانع از استیفای کلیه حقوق او میگردد و غیره .

له تنها اشخاصیکه نفع مادی در بطلان نکاح دارند واجد حق رجوع بحکم جهت اعلام بطلان میباشد بلکه اشخاصی هم که دارای نفع معنوی (حیثیتی) در موضوع میباشد میتوانند این تقاضا را بنمایند و از این قبیل اند هریک از زوجین و شوهر قبلی زنی که قبل از اجرای طلاق ببنکاح مرد دیگری در آمده و یا زن مرد متأهلی که با وجود علقه زوجیت شوهرش بازن دیگری ازدواج نموده است (۲) و این حق نیز برای اقوام هریک از زوجین که مبادرت ببنکاح باطل نموده‌اند بعلت داشتن نفع معنوی در موضوع محفوظ میباشد .

اما از تعریف بطلان مطلق نکاح نباید این توهم حاصل شود که اعمال حق تقاضای بطلان دائمی و اجباری است (برخلاف اصل پذیرفته شده در سایر عقود مالی) بلکه در بعضی از موارد بطلان قانونگذار فرانسه قائل به تحدید شده و یدنیوسیه حتی الامکان سعی نموده که از اعلام بطلان ازدواجی که حقا و ابتداءً باطل بوده‌اند جلوگیری بعمل آید مثلاً ازدواج باطل بعلت عدم بلوغ یکی از زوجین پس از گذشتن ۶ ماه از تاریخ بلوغ زوج یا زوجه نابالغ و یا حاصله بودن زوجه با وجود عدم بلوغ مشارالیه یا زوج اوبدل باز دوواج صحیح و مشروع گردیده و در این صورت اعمال حق ابطال ولو از طرف دادستان با وجود اینکه مورد از موارد بطلان مطلق است غیر ممکن میباشد و دلیل آنهم بطور وضوح صیانت و حفظ خانواده میباشد و همین حکم در مورد زن شوهر دار و یا مرد زن داری که با وجود سبق علقه زوجیت ازدواج جدیدی منعقد نموده و شوهر بازن اولی در زمان

۱ - مراجعه شود برای صادر از شعبه مدنی دیوان کشور فرانسه مورخ ۱۵ ژوئن ۱۸۸۷ .

۲ - از نظر مقررات ممالک غربی تعدد زوجات (Bigamie) ممنوع میباشد اعم از اینکه زن با وجود داشتن شوهر شوهر دیگری انتخاب نماید و یا اینکه مرد متأهلی قبل از وقوع طلاق بازن دیگری ازدواج نماید . علاوه بر ضمانت اجرائی مدنی که عبارت از بطلان نکاح دوم میباشد تعدد زوجات واجد عنوان جزائی نیز میباشد (ماده ۲۴۰ قانون مجازات عمومی فرانسه) .

آثار حقوقی بطلان نکاح

حیات خود تقاضای بطلان نکاح را بعلت تعدد زوجات یعنی نکاح مجدد نکرده باشد جاری می‌باشد مثلاً زن شوهرداری موفق باز دواج با مرد دیگری گردیده و شوهر اولی در زمان حیات خود اگر اقامه دعوی بطلان ازدواج دوم را نکرده باشد بعد از فوتش هیچکس حق اقامه این دعوی را نداشته و بدین ترتیب نکاح باطل مطابق پس از فوت او سبب بنکاح صحیح می‌گردد.

بعلاوه بعقیده دیوان کشور فرانسه تقاضای بطلان نکاحی را که بر اثر انجام مخفی آن و یا بعلت عدم صلاحیت مأمور رسمی مجری عقد انجام یافته است تا موقعی میتوان پذیرفت که از نظر معاشرین و اشخاص خارج زوجین صفت زوجیت را احراز نکرده باشند بدین معنی هر گاه وقتار و کردار دونفری که بدو جهت فوق ازدواجشان در اصل باطل بوده طوری باشد که از نظر افراد مجاور و معاشر با آنان مزوجه معروف و مشهور باشند و باصطلاح تحت‌اللفظی « متصرف حالت وضع زوجیت » گردند (۱) (۲) دیگر پذیرفتن دعوی بطلان ممکن نمی‌باشد و بدین ترتیب هم عقد باطل بعلت فوق در عرض عقد صحیح قرار می‌گیرد.

چنانکه میدانیم در سایر عقود و قراردادهای عقد باطل قابل تنفیذ و اباحه نبوده و طرفین نمیتوانند در هیچ صورت بزنده کردن و یا ترتیب اثر دادن بعقد باطل اقدام نمایند. عقد باطل کان‌لم یکن بوده و از نظر قانونگذار در هیچ موقع وجود خارجی نداشته است. ولی در مورد نکاح باطل باین اصل کلی استثناء سهمی وارد آمده و چنانکه فوقاً اشعار شد ازدواج باطل ولو بعلت موارد بطلان مطلقه تغییر ماهیت داده و بصورت عقد صحیح درمی‌آید و دیگر هیچکس نمیتواند بیاطل بودن آنان متوسل شود و بدین ترتیب تنفیذ عقد باطل در این موارد بخصوص تجویز شده است و چنانکه ملاحظه میشود مقنن از یکطرف و دیوان کشور فرانسه از طرف دیگر سعی مینمایند که حتی القوه از بطلان نکاح که دارای مفاسد بیشمار اجتهعی می‌باشد جلوگیری نمایند و مانعاً در موقع خود باین کوشش اشاره خواهیم کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

La possession d'état d'époux (۱)

(۲) در حقوق انگلستان « تصرف حالت زوجیت » عقد باطل بعلت جنون و سفه یکی

از زوجین در زمان انعقاد نکاح را تبدیل بعقد قابل فسخ مینماید:

« In general when a couple have lived together as man and wife during their joint lives, it is too late to impugn the marriage afterwards on the ground that the deceased spouse was insane at the time of the nuptials. » A. Blakemore, op. cit. vol. II, § 1104, P. 1373.